پنجشنبه 15 بهمن 1394 - 10:03

بدون نماز، اطلاق دیندار بر شخص مفهوم صحیحی ندارد

سرّ تشریع نماز را باید اتّصال به خدا دادن دانست و به ماوراء عالم طبیعت راه پیدا نمودن و با ملك الأرباب راز و نیاز گفتن. خداوند هر پیغمبری را که فرستاده است او را امر به اقامه نماز نموده است.

سرّ تشریع نماز را باید اتّصال به خدا دادن دانست و به ماوراء عالم طبیعت راه پیدا نمودن و با ملك الأرباب راز و نیاز گفتن. خداوند هر پیغمبری را که فرستاده است او را امر به اقامه نماز نموده است.

به گزارش خبرنگار مهر، روح دین عبادت و روح عبادت اتّصال به خداست؛ بنابراین در بین جمیع عبادات اگر درست بنگریم چون نماز جهت عبادتیّت در او از تمام عبادات قوي تر است، بنابراین نماز بهترین عملی است که با بجا آوردن آن منظور از تشریع دین به عمل می‌آید. مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) در جلد اول کتاب انوارالملکوت ذیل مجلس چهارم در تفسیر آیه «وَ أَقیمُوا الصّلاة وَ لا تَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکین» چنین آورده است:

سرّ تشریع نماز اتّصال به خداوند است

«وَ أَقیمُوا الصّلاة وَ لا تَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکین؛ و نماز را بر پا دارید؛ و از مشرکین نباشید! (سوره الرّوم آیه ۳۱)

روح دین عبادت و روح عبادت اتّصال به خداست؛ بنابراین در بین جمیع عبادات اگر درست بنگریم چون نماز جهت عبادتیّت در او از تمام عبادات قوي تر است، بنابراین نماز بهترین عملی است که با بجا آوردن آن منظور از تشریع دین به عمل می آید.

هر یك از عبادات ظاهری دارد و باطنی؛ در بعضی از آنها جهت ظاهر قوی است مانند جهاد، خمس، صله رحم، انفاق به فقرا که جنبه مصلحت نوعی و اجتماعی در آنها مراعات شده، و اگر آنها را انسان برای خدا بجای آورد صحیح و دارای اجر و مزد است. ولی در بین آنها نماز هیچ جنبه ظاهری و منفعت خارجی شخصی و اجتماعی ندارد و فقط و فقط جنبه عبادیّت و اتّصال قوی و انقطاع به خدا در او ملاحظه شده، و از جمیع عبادات در این معنی قوی تر است.

کسانی که برای نماز علل مادّی و منافع شخصی یا اجتماعی تصوّر می نمایند، از قبیل نظافت و حرکت و عدم تجاوز به حقوق مردم و انفاق به فقرا و امثال ذلك بسیار اشتباه می کنند؛ زیرا این خواص اختصاص به نماز ندارد و در افعال کثیری می توان این خواص را ولو به زیاده از نماز جستجو نمود. سرّ تشریع نماز را باید اتّصال به خدا دادن دانست و به ماوراء عالم طبیعت راه پیدا نمودن و به ابدیّت پیوستن و با ملك الأرباب راز و نیاز گفتن. این نمازي است که انسان را از فحشاء و منکر باز می دارد.

نماز متجلّی شدن به انوارجمال خدا و متحلّی شدن به أسماء و صفات کریمه اوست

نماز متجلّی شدن به انوار جمال خدا و متحلّی شدن به اسماء و صفات کریمه اوست. نماز است که انسان را از سطح بهیمیّت بالا برده، در عالم انسان قرار می دهد؛ گرچه منافعی دیگر در بر دارد لکن همه آنها ضمنی و تبعی است و آن منافع در مقابل اتّصال بنده به خداوند مانند قطره‌ای در مقابل دریاست.

«کتَبَ الرّضا عَلِیُّ بن مُوسی علیه السّلام إلی مُحَمّدِ بنِ سِنانٍ فیما کتَبَ مِن جَوابِ مَسائِلِهِ: أنّ عِلّة الصّلاة أنّها إقرارٌ بِالرُّبُوبِیّة لِلّهِ عَزّوَجَلّ، و خَلعُ الأندادِ، و قِیامٌ بَینَ یَدَیِ الجَبّارِ جَلّ جَلالُهُ بِالذِّلّة [بِالذّل] و المَسکنة و الخُضُوع، و الاعترافِ و الطّلَبُ لِلإقالة مِن سالِفِ الذُّنُوبِ، و وَضعُ الوَجهِ عَلَی الأرضِ کُلّ یَومٍ إعظامًا لِلّهِ جَلّ جَلالُهُ، و أن یَکُونَ ذاکِرًا غَیرَ ناسٍ و لا بَطِرٍ، و یَکُونُ خاشِعًا مُتَذَلِّلًا راغِبًا طالِبًا لِلزِّیادَة فی الدّینِ و الدُّنیا، مَعَ ما فیهِ مِنَ الإیجابِ و المُداوَمَة عَلَی ذِکرِ اللهِ عَزّوَجَلّ بِاللّیلِ و النّهارِ، و لِئَلا یَنسَی العَبدُ سَیِّدَهُ و مُدَبِّرَهُ و خالِقَهُ فَیَبطَرَ و یَطغَی، و یَکُونَ ذَلِکَ فی ذِکرِهِ لِرَبِّهِ جَلّ و عَزّ و قِیامِهِ بَینَ یَدَیهِ زاجِرًا لَهُ عَنِ المَعاصِی و مانِعًا لَهُ مِن أنواعِ الفَسادِ.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۴(

«امام رضا علیه السّلام در پاسخ نامه محمّد بن سنان فرمودند: علّت وجوب نماز اقرار به ربوبیّت پروردگار است و نیز انکار امثال او و ایستادن در پیشگاه خدای جبّار در حال ذلّت و مسکنت و خضوع و اعتراف به گناهان و تقاضای عفو و بخشش و گذاردن صورت بروی زمین در هر روز به پاس عظمت پروردگار جلّ جلاله و در حال ذکر و اشتغال به یاد خدا بودن و عدم نسیان و خود سری و اینکه خود را خاشع و پست در مقابل خدای تعالی بداند و رغبت و تمنّای ازدیاد دین و دنیای خود را داشته باشد با الزام و تداوم بر یاد خدا در شبانه روز و برای اینکه بنده هیچگاه آقا و تدبیر کننده امور و خالق خود را فراموش نکند تا خودسری و

طغیان بر او چیره گردد تا اینکه یاد خدا و وقوف در نزد او، او را از معاصی باز دارد و از انواع فساد مانع گردد.»

چون این معنی معلوم گشت، به پیرو آن معلوم می شود که نماز ستون دین است و بدون نماز دینداری بر شخص مفهوم صحیحی ندارد.

در «کافی» و «من لا یحضره الفقیه» روایت کرده اند از زراره عن أبی عبدالله علیه السّلام قال: «قالَ رَسولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم: مَثَلُ الصّلاة مَثَلُ عَمُودِ الفُسطاطِ، إذا ثَبَتَ العَمُودُ نَفَعَتِ الأطنابُ و الأوتادُ و الغِشاءُ، و إذا انکسَرَ العَمُودُ لَم یَنفَعْ طُنُبٌ و لا وَتِدٌ و لا غِشاءٌ.» (الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶)

«امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: نماز مانند عمود خیمه است وقتی عمود پا برجاست ریسمان ها و میخ ها و پرده خیمه مفید واقع می شوند و وقتی که عمود شکسته شود دیگر نه ریسمان ها و نه میخ ها و نه پرده فایده ای نخواهند داشت.»

همه پیامبران سفارش به اقامه نماز شده اند

چون نماز حقیقت و ستون دین است لذا خداوند هر پیغمبری را که فرستاده است او را امر به اقامه نماز نموده است؛ (در نبوت لقمان خلاف است؛ بعضی از اخبار دلالت بر نبوّت دارد و بعضی دلالت بر جلالت قدر او فقط دون نبوّت.) حضرت لقمان. می فرماید: «یا بُنَیّ أَقِمِ الصّلاة وَ أَمُرْ بِالمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ المُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلی ما أَصابَکَ إِنّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الأُمُور. (سوره لقمان آیه ۱۷)

«ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان) هر آزار بینی، صبر پیش گیر، که این نشانه‌ای از عزم ثابت (مردم بلند همّت) در امور عالم است.»

و درباره حضرت مسیح بن مریم نقل از آن حضرت می کند که می فرماید: « قالَ إِنِّی عَبْدُ اللهِ آتانِیَ الْکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبِیًّا وَ جَعَلَنی مُبارَکاً أَیْنَ ما کُنْتُ وَ أَوْصانی بِالصّلاة وَ الزّکاة ما دُمْتُ حَیًّا.» (سوره مریم آیه ۳۰)

«آن طفل (به امر خدا به زبان آمد و) گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوّت عطا فرمود و مرا هر کجا که باشم مایه برکت (و رحمت) گردانید و خداوند مرا سفارش به نماز و زکات نمود تا مادامی که زنده هستم.»

ملاحظه می شود که حضرت مسیح تصریح می کند که خدا سفارش نماز را به من نموده است در تمام مدّتی که من حیات دارم، کأنّه نماز از وظائف حتمیّه اي است که ابداً از شخص زنده برداشته نمی شود.

روایاتی از أهل بیت سلام الله علیهم أجمعین وارد است که: الصّلاة لا تُترَکُ بِحالٍ؛ یا آنکه الصّلاة لا تَسقُطُ بِحالٍ. و در شریعت اسلام در هیچ لحظه از لحظات انسان مکلّف، نماز از او به عذری از أعذار ساقط نخواهد شد.

و درباره حضرت موسی بن عمران وارد است که حضرت ربّ العزّة به او خطاب نموده، می فرماید: «إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوادِ الْمُقَدّسِ طُوىً* وَ أَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِما یُوحی* إِنَّنی أَنَا اللهُ لا إِلهَ إِلّا أَنَا فَاعْبُدْنی وَ أَقِمِ الصّلاة لِذِکْری» (سوره طه آیات ۱۲الی ۱۴)

«من هستم تحقیقاً پروردگار تو! پس دو نعل خود را از پا بیرون کن! تو اینك در وادی مقدّسی که نام آن وادی طوی است می باشی. و من تو را (به رسالت خود) برگزیدم، در این صورت به سخن وحی گوش فرا ده. منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصاً برای یاد من بپادار.»

در این آیه خداوند تعلیل وجوب نماز را به ذکر خود می فرماید؛ یعنی برای آنکه به یاد من باشی باید إقامه نماز بنمائی.

و راجع به حضرت ابراهیم علیه الصلاة و السّلام در دعای آن حضرت به پروردگار می فرماید: «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقیمُوا الصّلاة فَاجْعَلْ أَفْئِدَة مِنَ النّاسِ تَهْوی إِلَیْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُون.» (سوره إبراهیم آیه ۳۷)

«پروردگارا، من برخی از ذرّیّه و فرزندان خود را به وادی بی کشت و زرعی نزد بیت الحرام تو مسکن دادم، پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس تو دلهایی از مردمان را به سوی آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنها را روزی ده، باشد که شکر تو به جای آرند.»

تا می رسد به آیه ۴۰ که می فرماید: «رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصّلاة وَ مِنْ ذُرِّیّتی رَبّنا وَ تقبّلْ دُعاء؛ پروردگارا، مرا و از ذرّیّه‌ام نیز کسانی را نمازگزار گردان، و بار الها دعای مرا بپذیر.»

معلوم می شود که اقامه نماز بهترین امر خیری بوده است که حضرت ابراهیم برای خود و ذریّه خود تقاضا نموده است. و باز دعا نموده و می گوید: خدای ما! این دعای مرا به مرحله اجابت برسان!

و راجع به حضرت اسماعیل- علی نبیّنا و آله و علیه السّلام- می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعیلَ إِنّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا* وَ کانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصّلاة وَ الزّکاة وَ کانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیًّا.» (سوره مریم آیات ۵۴ و ۵۵)

«و یاد بیاور در کتاب اسماعیل را که حقاً او در وعده خود، صادق بود. و حالش چنین بود که اهل خود را به نماز و زکات امر می کرد؛ و او در نزد پروردگارش پسندیده بود.»

در این آیه مبارکه ملاحظه می شود که خداوند در مقام تعریف و تمجید از حضرت اسماعیل بهترین فعلش را بیان می کند؛ و او آنکه اهل خود را امر به نماز و زکات می نموده است.

و در سوره انبیاء که حالات حضرت ابراهیم و حضرت لوط و اسحاق و یعقوب را نقل می کند، سپس می فرماید: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمّة یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ وَ إِقامَ الصّلاة وَ إِیتاءَ الزّکاة وَ کانُوا لَنا عابِدین.» (سوره أنبیاء آیه ۷۳)

«ما آنها را ائمّه ای قرار دادیم که هدایت می کنند به امر ما، و ما نفس فعل خیرات و إقامه صلاة و إیتاء زکات را به آنها وحی کردیم و اینان از عبادت کنندگان برای ما بودند.»

و راجع به حضرت خاتم النبیّین محمّد بن عبدالله صلّی الله علیه و آله و سلّم می فرماید: «وَ لا تَمُدّنّ عَیْنَیْكَ إِلی ما مَتّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَة الْحَیاة الدُّنْیا لِنَفْتِنَهُمْ فیهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَیْرٌ وَ أَبْقی* وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصّلاة وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها لا نَسْئَلُكَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعاقِبَة لِلتّقْوی.(سوره طه آیات ۱۳۱ و ۱۳۲)

«و هرگز به متاع ناچیزی که به قومی از آنان (قومی کافر و جاهل) در جلوه حیات دنیای فانی برای امتحان داده ایم چشم آرزو مگشا، و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است. و امر کن اهلت را به نماز و در آن پافشاری کن! ما از تو روزی (کسی را) نمی طلبیم بلکه ما به تو (و دیگران) روزی می دهیم، و عاقبت نیکو مخصوص (اهل) پرهیزکاری و تقواست.»

در این آیه شریفه خدا پیغمبرش را امر می کند که اهلش را امر به نماز کند، و در این امر بسیار پافشاری و ایستادگی نماید.

منبع: انوار الملکوت ج ۱/ تالیف: علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی /مقدمه و ترجمه: سید محمد محسن حسینی طهرانی / ناشر: مکتب وحی